

سرگذشت اول ماه مه در دوران شاه و در ج.ا

## روز جهانی کارگر مستقل از حکومت باید برگزار شود

روز سه شنبه، یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر است. در حالی که این روز از دهها سال پیش در سراسر جهان تعطیل اعلام شده، در ایران هنوز اول ماه يك مشکل حکومتی است. در سال ۱۳۲۵ یعنی ۶۱ سال پیش نمایندگان حزب توده ایران در دولت ائتلافی احمد قوام موفق شدند این روز را بعنوان روز کارگر و تعطیل در ایران برقرار کنند. اما غیرقانونی کردن حزب و سرکوب اتحادیه کارگری "شورای متحده مرکزی کارگران" و بعدها کودتای ۲۸ مرداد و برقراری رژیم دیکتاتوری تعطیلی اول ماه مه و برگزاری مراسم آن را تا مدت ها ممنوع کرد و کارگران مجبور بودند مخفیانه این جشن را برگزار کنند. سرانجام زیر فشار مبارزه کارگران و نیازهای نمایش يك چهره دمکراتیک در سطح جهانی شاه ناگزیر شد اول ماه را بعنوان روز کارگر بپذیرد اما از انجام مراسم آن جلوگیری می کرد. انقلاب که شد، چون نقش طبقه کارگر را در پیروزی انقلاب نمی شد انکار کرد گفتند روز کارگر اصلا "کمونیستی" است و باید بساط این روز را جمع و داستان اول ماه مه را ختم کند. بدینسان تا آخرین لحظات مانده به یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ هنوز تکلیف روز کارگر مشخص نبود. بالاخره آیت الله خمینی در آخرین ساعات با اعلامیه "خدا نیز کارگر بود" این روز را رسماً بعنوان روز کارگر در جمهوری اسلامی پذیرفت. سال اول جمهوری اسلامی این روز در دو صف مستقل کارگری که توده ای ها در آن حضور داشتند و یک صف حکومتی که بیشتر تظاهرات دولتی بود تا مراسم روز کارگر برگزار شد. صف مستقل به سمت دروازه شمیران در تهران حرکت کرد و علیرغم کارشکنی های گروه های فشار حکومتی با صدور قطعنامه ای پایان یافت. اما ترور مرتضی مطهری در شب دهم اردیبهشت همان سال بهانه خوبی شد که دیگر هر ساله مراسم جشن اول ماه مه با "روز معلم" و ترور آیت الله مطهری مخلوط شده و هر دو به مراسم عزای مرتضی مطهری تبدیل شود.

روز کارگر که مشخص شد، بر سر تعطیلی بودن یا نبودن آن کشمکش شروع شد. در جمهوری اسلامی که برای تولد و مرگ هر امام و حتی یک روحانی منزوی در گوشه فلان حوزه علمیه مملکت از یک روز تا سه روز تعطیل و یا در عزای حکومتی غرق می شود، و همین الان صحبت از این است که عید فطر باید پنج روز تعطیل شود تعطیلی روز کارگر کار خوبی نیست چون "به کار و اشتغال لطمه می زند!"

بالاخره پس از هفت سال کشمکش میان مجلس های پس از انقلاب و شورای نگهبان که معتقد بود بنا بر اصول لیبرالیسم ما اصلاً نیاز به قانون کار نداریم بالاخره در قانون کاری که مجمع تشخیص مصلحت تصویب کرد روز کارگر بعنوان تعطیل فقط برای کارگران پذیرفته شد. اما در عمل از این تعطیلی خبری نیست.

يك سال زیر فشار کارگران می خواهند این روز را تعطیل کنند می گویند فقط کارخانه ها صبح تعطیل هستند اما بعداز ظهر کار می کنند. سال بعد می گویند بعداز ظهر تعطیل هستند. بعد دعوا بر سر مراسم روز کارگر شروع می شود. يك سال می گویند مراسم در خیابان برگزار شود. سر اینکه در کدام خیابان باشد اختلاف می سازند. بعد می گویند نه در خیابان ترافیک می شود و مزاحم "رفاه شهروندان" می شود. در کشوری که پلیس و حکومت جز آزار و اذیت "شهروندان" کار دیگری انجام نمی دهد یا هر چند روز يك بار عده ای در مقابل این

یا آن سفارت خانه، یا این یا آن روزنامه و مجله جمع می‌شوند و خیابان را می‌بندند و سنگ پرانی می‌کنند مشکلی برای "رفاه شهروندان" بوجود نمی‌آید اما مراسم کارگر مشکل ساز است.

اگر زور حکومت برسد مجبور می‌کنند که مراسم در سالن برگزار شود. بعد می‌گویند امنیت سالن را نمی‌توانیم برقرار کنیم آن را به هم می‌زنند. همان بازی همیشگی که تا روز آخر تکلیف معلوم نباشد و کارگران ندانند بالاخره چه باید بکنند.

مقابله با تشکل های کارگری نیز ریشه در همینجا دارد، چون اگر يك تشکل کارگری متحد و نیرومندی در کشور وجود داشته باشد دیگر چشمش به دست و امضا و اجازه این یا آن مقام برای برپائی روز جهانی کارگر نیست، بلکه خودش راسا روز کارگر و تعطیلی و محل و نحوه مراسم آن را تعیین می‌کند. همان کاری که ۶۰ سال پیش "شورای متحده مرکزی کارگران" کرد. اما کشمکش حکومتی بر سر تشکل کارگری نیز ادامه دارد. در دولت هاشمی به جای سندیکا، "خانه کارگر" را جانشین کردند. در دولت خاتمی به جای خانه کارگر خواستند سندیکا را بگذارند. در دولت احمدی نژاد می‌خواهند بساط خانه کارگر و سندیکا هر دو را جمع کنند و يك میلپیشیای شبه نظامی بعنوان "بسیج کارگری" در کارخانه ها راه بیاندازند که هدفش برعکس سندیکاها و خانه کارگر نه دفاع از منافع کارگران در برابر کارفرماها بلکه وادار کردن کارگران به اطاعت از کارفرماها و دولت است.

مراسم اول ماه مه امسال هم در این فضا می‌خواهد برگزار شود. با این تفاوت که این بار محمد جهرمی - پیشکار احمد جنتی در شورای نگهبان- وزیر کار ضدکارگری ترین دولت در تاریخ جمهوری اسلامی شده است و از سوی دیگر کارگران بیش از هر زمان دیگر مصمم به برگزاری مستقل مراسم روز کارگر هستند. در این شرایط، این امکان بوجود آمده است که تشکل های کارگری اعم از رسمی و غیررسمی بتوانند، در صورت دستیابی به تفاهم، خود راسا سرنوشت روز کارگر و مراسم آن را بدست گیرند و آن را به حکومت تحمیل کنند.

راه توده ۱۳۱ ۲۰۰۷،۰۴،۰۳۰